



سِلَکُ الجواهر

فرہنگنامہ منظوم

(بہ پیروی از نصاب الصبیان ابو نصر فراہی)

سرودہ

عبد الحمید بن عبد الرحمن انکوری

(زندہ ۷۶۳ھ ق)

تصحیح

رضا صادقی



-
-
- سرشناسه : انگوری، عبدالحمید بن عبدالرحمان، ۷۶۳ - ق.
- عنوان و نام پدیدآور : سلك الجواهر: فرهنگنامه منظوم (به پیروی از نصاب الصبیان ابونصر فراهی) / سروده عبدالحمید بن عبدالرحمان انگوری؛ تصحیح رضا صادقی
- مشخصات نشر : تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، ۱۴۰۲.
- مشخصات ظاهری : هفتاد و دو، ۳۷۱، 7 ص.
- فروست : میراث مکتوب؛ ۳۸۱. زبان و ادبیات فارسی؛ ۸۸
- شابک : 978-600-203-269-0
- وضعیت فهرست نویسی: فیپا
- یادداشت : کتاب حاضر بر اساس کتاب «نصاب الصبیان» اثر ابونصر فراهی است.
- موضوع : شعر فارسی - قرن ۸ ق. - واژه نامه ها
- Persian Poetry-14th century-Dictionaries
- فارسی - واژه نامه های منظوم
- Persian language-Rhyme-Dictionaries
- شناسه افزوده : صادقی، رضا، ۱۳۷۰ - ، مصحح
- شناسه افزوده : ابونصر فراهی، مسعود بن ابی بکر، - ۶۴۰ ق. نصاب الصبیان
- رده بندی کنگره : PIR ۵۲۲۴
- رده بندی دیویی : ۸۱ / ۳۲۰۳
- شماره کتابشناسی ملی : ۹۲۰۸۵۸۳
- اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا
-
-

سکات الحجاز

فرهنگنامه منظوم

(به پیروی از نصاب الصبیان ابو نصر فراہی)

سرودہ

عبدالحمید بن عبدالرحمن انخوری

(زندہ ۱۲۶۳ھ ق)

تصحیح

رضا صادقی



سیلک الجواهر

فرهنگنامه منظوم

(به پیروی از نصاب المصبيان ابونصر فراهی)

سروده: عبدالحمید بن عبدالرحمن انگوری (زنده در ۷۶۳ ه. ق)

تصحیح: رضا صادقی

ناشر: میراث مکتوب

مدیر تولید: محمد باهر

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

ترجمه گزیده مقدمه به انگلیسی: مصطفی امیری

صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ اول: ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

بها: ۳۷۰۰۰۰ تومان

شابک: ۰ - ۲۶۹ - ۲۰۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸

چاپ (دیجیتال): میراث

شماره فروش:

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است
نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است



دریایی از فرهنگ پرمایه اسلام و ایران در خمی خطی موج می زند. این نسخه با تحقیقت، کارنامه دانشمندان و نوابغ بزرگ و هویت نامدما ایرانیان است. برعمده بهر نسی است که این میراث پرارج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

با همه کوششهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تتبع در آنها انجام گرفته و صد کتاب و رساله ارزشمند انتشار یافته هنوز کار ناکرده بسیار است. هزاران کتاب و رساله خطی موجود در کتابخانه های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز، اگرچه بارها بطبع رسیده، منطبق بر روش علمی نیست و تحقیق و تصحیح مجدد نیاز دارد. احیاء و نشر کتاب ها و رساله های خطی و خطی های است بر روش محققان و مؤسسات فرهنگی. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوشش های محققان و محققان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرهنگی و علاقه مندان به دانش و فرهنگ سبمی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه ای ارزشمند از متون و منابع تحقیق به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

اکبر ایرانی

مدیر عامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

تقدیم به:

همسرم که «ناهیدوار» نغمه‌های آرامش را بر زندگیمان جاری ساخت،
دخترانم: «فاطمه» که نامش همواره یاد «مادرم» را برایم زنده نگه می‌دارد، روحش شاد
و «هانا» که حیاتی ست دوباره در کارزار امید و ناامیدی.



فهرست مطالب



پیشگفتار	پیشگفتار
مقدمه	مقدمه
۱. بخش نخست - احوال و آثار عبدالحمید بن عبدالرحمان انگوری	پانزده
۱.۱ نام، عنوان، تولد، وفات، کیش و آیین	پانزده
۲.۱ آثار عبدالحمید بن عبدالرحمان انگوری	هجده
۱.۲.۱ سلک الجواهر	نوزده
۲.۲.۱ مُلتمسات	بیست
۳.۲.۱ منیة الواعظین و غنیة المتعظین	بیست و یک
۳.۱ اوضاع تاریخی - سیاسی آنکارا؛ موطن مؤلف در قرن هشتم هجری ..	بیست و سه
۲. بخش دوم - معرفی دستنویس های سلک الجواهر	بیست و چهار
الف) ایران	بیست و پنج
ب) عراق	بیست و هفت
ج) ترکیه	بیست و هفت
۳. بخش سوم - چند نکته دستوری و محتوایی درباره سلک الجواهر	سی
۳.۱ روش عبدالحمید در منظوم ساختن لغات	سی و پنج

۴. بخش چهارم - روش تصحيح و دست‌نويس‌هاي تصحيح حاضر سی و هفت
- ۱.۴ شیوه‌نشانه‌گذاری / علائم سجاوندی در متن چهل و نه
- ۲.۴ رسم‌الخط و ویژگی‌های املائی در تصحيح حاضر پنجاه
- ۳.۴ تصاویر آغازین و انجامین دست‌نويس‌ها پنجاه
- ۴.۴ علائم اختصاری دست‌نويس‌ها پنجاه

سلك الجواهر

- ۳ دیباچه
۱. قطعه‌الاولی - در بحر هزج مسدس اخرب المقبوض المكفوف؛ مفعول مفاعیل مفاعیل .. ۷
۲. قطعه‌الثانیة - در بحر رمل مثنی‌المحذوف؛ فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن ۸
۳. قطعه‌الثالث - در بحر منسرح مثنی‌المطوی المكشوف؛ مفتعلن فاعلن، مفتعلن فاعلن ۱۳
۴. قطعه‌الرابعة - در بحر رمل مثنی‌المحذوف؛ فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن ۱۷
۵. قطعه‌الخامسة - در بحر المنسرح [مثنی‌المطوی الموقوف؛ مفتعلن فاعلن، مفتعلن فاعلاتن ۲۱
۶. قطعه‌السادسة - در بحر رمل مثنی‌المقصور؛ فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن ۲۴
۷. «قطعة [السابعة]» - در بحر سریع [مسدس] المطوی [مکشوف]؛ مفتعلن مفتعلن فاعلن ۲۶
۸. قطعه‌الثامنة - در بحر هزج مثنی‌سالم؛ مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن ۳۰
۹. قطعه‌التاسعة - در بحر رجز مثنی‌سالم؛ مستفععلن مستفععلن مستفععلن ۳۳
۱۰. قطعه‌العاشر - در بحر هزج مثنی‌سالم؛ مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن ۳۷
۱۱. قطعه‌الحادية عشر - در بحر رمل مثنی‌المحذوف؛ فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن ۴۰
۱۲. قطعه‌الثانية عشر - در بحر منسرح مثنی‌المطوی الموقوف؛ مفتعلن فاعلن، مفتعلن فاعلاتن ۴۴
۱۳. قطعه‌الثالثة عشر - در بحر رمل مسدس المحذوف؛ فاعلاتن فاعلاتن فاعلن ۴۷
۱۴. قطعه‌الرابعة عشر - در بحر سریع مسدس المطوی [مکشوف]؛ مفتعلن، مفتعلن، فاعلن ۵۰
۱۵. قطعه‌[الخامسة] عشر - در بحر رمل مثنی‌[مقصور]؛ فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن ۵۳
۱۶. قطعه‌[سادسة عشر] - در بحر هزج مثنی‌سالم؛ مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن ۵۶
۱۷. قطعه‌السابعة عشر - در بحر رمل مثنی‌المقصور؛ فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن ۶۰
۱۸. قطعه‌الثامنة عشر - در بحر رمل مثنی‌المحذوف؛ فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن ۶۳

۱۹. قطعة التاسعة عشر - در بحر هزج مثنی السالم: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن ۶۷
۲۰. قطعة العشر [ون] - در بحر خفیف مسدس المخبون المقصور؛ فاعلاتن مفاعلن [فاعلات] ۷۰
۲۱. قطعة الحادية و العشرون - در بحر سریع مسدس المطوی [موقوف]؛ مفتعلن مفتعلن فاعلات ۷۲
۲۲. قطعة الثانية و العشرون - در بحر هزج مثنی السالم؛ مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن ۷۴
۲۳. قطعة الثالثة و العشرون - در بحر رجز مثنی مطوی مخبون؛ مفتعلن مفاعلن، مفتعلن مفاعلن ۷۷
۲۴. قطعة الرابعة و العشرون - در بحر مضارع [مثنی] آخرب المكفوف [محذوف]؛ مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن ۸۰
۲۵. قطعة الخامسة و العشرون - در بحر رمل مثنی المحذوف؛ فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن ۸۳
۲۶. القطعة السادسة و العشرون - [در بحر]، الهزج [مثنی] الاخرب المقبوض؛ مفعول مفاعلن مفاعیلن ۸۶
۲۷. قطعة السابعة و العشرون - در بحر مجتث [مثنی] المخبون [مقصور]؛ مفاعلن فاعلاتن، مفاعلن فاعلات ۸۹
۲۸. قطعة الثامنة و العشرون - در بحر رمل مثنی المقصور؛ فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلات ۹۱
۲۹. قطعة التاسعة و العشرون - در بحر هزج مثنی سالم؛ مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن ۹۴
۳۰. قطعة الثلاثون - در بحر سریع [مسدس] المطوی [موقوف]؛ [مفتعلن مفتعلن فاعلان] .. ۹۵
۳۱. قطعة الحادية و الثلاثون - در بحر رمل مثنی المحذوف؛ فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن ۹۷
۳۲. قطعة الثالثة و [الثلاثون] - در بحر هزج مثنی سالم؛ مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن ۹۸
۳۳. قطعة الثالثة و [الثلاثون] - در بحر المضارع الاخرب المكفوف؛ [مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن] ۱۰۲
۳۴. قطعة الرابعة و [الثلاثون] - در بحر رمل مثنی المحذوف؛ فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلات ۱۰۵

۳۵. قطعة الخامسة و [الثلاثون] - در بحر هزج مثنى سالم؛ مفاعيلن مفاعيلن مفاعيلن	۱۰۷
مفاعيلن.....	۱۱۳
تعليقات.....	۱۹۳
پیوست ها.....	۱۹۳
پیوست شماره ۱ - سلك الجواهر (بدون حواشى و اختلاف دست نویس ها).....	۱۹۳
پیوست شماره ۲ - فرهنگ لغات سلك الجواهر.....	۲۴۵
پیوست شماره ۳ - لغات تركى چهار دست نویس.....	۲۹۵
پیوست شماره ۴ - اشعار فارسى منية الواعظین و غنية المتعظین.....	۳۵۶
اعلام.....	۳۶۳
منابع.....	۳۶۷
فارسى و عربى.....	۳۶۷
لاتین و تركى.....	۳۷۱
سایت ها.....	۳۷۱

پیشگفتار

سپاس بی‌کران خدای مَنان را که توفیقِ زیستن حاصل مان و بارِ امانت رسالت مان شد. پروردگاری که انسان را آفرید و زینت «عَلَمَهُ الْبَیَان» بر تاج آدمی مُزین کرد. خدا را شاکریم که فرصت مطالعه بر روی فرهنگنامه‌ای منظوم و گمنام حاصل شد تا این اثر ارزشمند تصحیح و در اختیار جامعه پژوهشی کشور، فارسی‌دوستان و فارسی‌زبانان عزیز قرار گیرد. نام فرهنگنامه منظوم سلک الجواهر را برای نخستین بار در کتاب ارزشمند زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، اثر مرحوم استاد محمدامین ریاحی دیدم. بر آن شدم تصحیح انتقادی سلک الجواهر را به عنوان موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد انتخاب نمایم. بی‌شک اگر نبود همراهی و همیاری همسر عزیزم و دختر نازنینم این پژوهش به فرجام نمی‌رسید. همچنین واجب می‌دانم از زحمات استاد راهنمای ارجمندم؛ جناب آقای دکتر تقی پورنامداریان که با نگاه موشکافانه و ژرف‌بین‌شان؛ پدروار، مرا راهنمایی نمودند و استاد مشاور گرانمایه‌ام، جناب آقای دکتر سید مهدی طباطبایی که با متانت و صبوری مرا مشاوره دادند، قدردانی کنم.

از مزیت‌های پژوهش حاضر، گردآوری قریب به ده دست‌نویس آقدم و اهم موجود در کتابخانه‌های ایران، ترکیه و ایتالیا است. قدیمی‌ترین دست‌نویس قریب به یک سده

پس از تأليف و تنظيم اثر نگاشته شده بود که در کتابخانه مارچانای ونيز ایتالیا (۸۵۷ ه.ق) می‌باشد. خوشبختانه میکروفيلم این دست‌نویس در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود بود، افزون بر این دست‌نویس؛ سه دست‌نویس آقدم نیز از کشور ترکیه، مربوط به کتابخانه ملّی آنکارا، کتابخانه دوشانلی شهر کوتاهیه و کتابخانه دانشگاه استانبول و شش دست‌نویس دیگر از کتابخانه‌های ایران دست‌یاب شد. بر اساس مبنا قرار دادن دست‌نویس آقدم به عنوان دست‌نویس اساس، روی هم‌رفته دست‌نویس اساس با نه دست‌نویس دیگر مقابله شد.

در این تصحیح علاوه بر مقابله، به شرح لغات و اصطلاحات موجود در اثر پرداختیم. مضاف بر این در چهار پیوست، ابتدا متن مقابله شده را برای سهولت خوانش بدون پانویس و اختلاف دست‌نویس‌ها آوردیم، پس از آن فرهنگی از لغات شرح‌شده موجود در اثر را به ترتیب الفبایی تنظیم کردیم، سپس بنابر اهمیت دست‌نویس‌های حاشیه‌دار، لغات ترکی حواشی چهار دست‌نویس قدیمی را استخراج کردیم و در پیوستی گنجانیدیم، در پایان نیز اشعار فارسی دست‌نویس مینه الواعظین و غنیه المتعظین، دیگر اثر اخلاقی مؤلف را استخراج کردیم و در پیوست چهارم آوردیم.

مسلماً اگر نبود راهنمایی، همکاری، گره‌گشایی، نکته‌سنجی و نکته‌گویی‌های اساتید ارجمند و سروران عزیزی که نام‌شان در ادامه آورده می‌شود این پژوهش صورت نمی‌پذیرفت. بر خود وظیفه می‌دانم از تک‌تک‌شان قدرانی نمایم. آقایان دکتر ابوالقاسم رادفر، دکتر عارف نوشاهی (پاکستان)، دکتر توفیق هاشم‌پور سبحانی، دکتر نعمت‌الله ایران‌زاده، دکتر محمدنژاد عالی زمینی، دکتر ابراهیم دیباجی، دکتر ناصر محسنی‌نیا، دکتر تورقای شفق (رئیس محترم مرکز فرهنگی یونس‌امره)، سید محمدتقی حسینی (ترکیه)، دکتر هومن پناهنده، دکتر حسین متقی، دکتر حسن‌زاده نیری (ترکیه)، دکتر محمد راغب، خانم دکتر طاهره ایشانی، خانم دکتر زهرا پارساپور، خانم عسگری (مسئول آموزش گروه زبان و ادبیات پژوهشگاه علوم انسانی)، آقای فاضلی (نوه آیت‌الله فاضل خوانساری متولی کتابخانه مذکور)، آقای زمانی‌نژاد (کتابخانه مرکز مطالعات و

تحقیقات اسلامی قم)، آقای رادفر (کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی) و آقای ظافر (کتابدار مرکز کاشف الغطاء عراق).

و در پایان جا دارد از همکاری و سعه صدر مدیر محترم مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، جناب آقای دکتر اکبر ایرانی و مدیر محترم تولید جناب آقای محمد باهر و سایر همکاران ارجمندشان خاصه سرکار خانم زهرا طاووسی منفرد که با بازخوانی مجدد متن و اصلاح خطاها، در چاپ این اثر نقش داشته‌اند؛ تشکر ویژه‌ای داشته باشم. امید که پژوهش حاضر قبول طبع اهل فن واقع شود.

رضا صادقی

دی‌ماه سال هزار و سیصد و نود و هشت خورشیدی

پاکدشت

مقدمه

۱

بخش نخست

احوال و آثار عبدالحمید بن عبدالرحمان آنگوری

۱.۱ نام، عنوان، تولد، وفات، کیش و آیین

عبدالحمید بن عبدالرحمان انگوری

(Abdulhamid b. Abdur rahman El-enguri\ Ankaravi)

عبدالحمید فرزند عبدالرحمان انگوری، متخلص به حمید (ای حمید این نظم گوهر بر تو زبید در یقین / زآنکه در نظم لغت مثلت نباشد بی‌گمان؛ سلک الجواهر: بیت ۱۰۹)؛ شاعر پارسی‌گوی آسیای صغیر، واعظ، محدث، نویسنده و لغت‌شناس قرن هشتم هجری (زنده در ۷۶۳ ه.ق) می‌باشد. (حاجی خلیفه، بی‌تا: ۹۹۷/۲؛ باشا البغدادی، ۱۹۵۱: ۵۰۶/۱؛ brockelmann, 1938:2/313؛ کحاله، ۱۳۷۷ق: ۱۰۰/۵ و ۱۰۱؛

تهامی، ۱۳۸۵: ۵۵۶)

اطلاع چندانی از احوال عبدالحمید در منابع نیست. در تمامی دست‌نویس‌های موجود، عنوان وی «انگوری» ضبط گردیده که تصحیفی از صورت «انگوری» است. شایان ذکر است در دست‌نویس‌ها و آنچه در تذکره‌ها آمده است؛ صورت‌های گوناگونی نظیر: انگوری، انگوری، انقروی و انقودی می‌باشد که همگی دال بر آنکارایی بودن مؤلف است. (انوشه، ۱۳۷۵: ۵۷۵/۶؛ ریاحی، ۱۳۹۰: ۱۴۰؛ دهخدا، ۱۳۲۵: ۳۵۱/۱) باید توجه داشت در متون فارسی نام آنکارا به صورت‌های انگوری، انگوری، انقره (به پیروی از تلفظ عربی) و اخیراً به صورت آنکارا آمده است. در ترکی نیز، آنگره، انگورو، انگوری، انگوریه و آنکارا و در عربی آنقره، آنقوری، صورت‌هایی از نام آنکارا است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۴: ۲۲۸/۲) بدین ترتیب در ضبط نام وی، عنوان عبدالحمید انگوری، یعنی صورت قدیمی و اصیل عنوان وی را انتخاب کردیم.

سال تولد و وفات عبدالحمید به کلی مشخص نیست؛ اما در باب کیش و مذهب او، با توجه به آثار در دسترس از وی، می‌توان اینگونه استنباط کرد که وی از پیروان مذهب تسنن بوده است. دلایل این استنباط را چنین برمی‌شماریم:

نخست: در مقدمه سلک الجواهر قرآن مبین را قدیم دانسته است، این درحالی است که مذهب تشیع چنین اعتقادی ندارد. (برای اطلاع بیشتر ر.ک: فرهنگ علوم عقلی، سید جعفر سجادی: ۲۰۶-۲۰۹ و ۴۶۲ و ۴۶۳)

دو دیگر: در منیه الواعظین و غنیة المتعظین از تمامی صحابه حتی امیرالمومنین علی (ع) و تابعین از لفظ تمجید و بزرگداشت «رضی الله عنه» و «رضی» یاد می‌کند. (دست‌نویس منیه الواعظین و غنیة المتعظین به شماره ۳۴۵۲/۲، ب ۲۳، کتابخانه آیت‌الله مرعشی قم) و سه دیگر: غالب احادیث و روایاتی که در منیه الواعظین و غنیة المتعظین آمده است به اذعان مؤلف از صحیح مسلم و صحیح بخاری استخراج گردیده است. نظیر: «اخرجه مسلم و البخاری...» (همان: ۴۴).

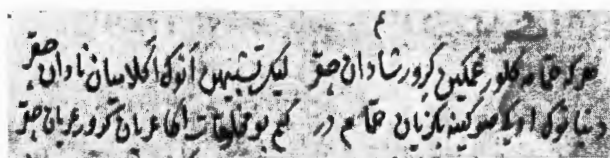
عبدالحمید انگوری در آنکارا به دنیا آمده است و داشتن پسوند انگوری گواه این امر است. شواهدی در آثار او وجود دارد که این احتمال را به ذهن متبادر می‌سازد که او

یاحتمل ترک زبان بوده است یا ترکی می دانسته است. این شواهد عبارتند از: نخست دو بیت ترکی از عبدالحمید است که در انجاء دست نویس مینه الواعظین و غنیة المتعظین آمده است:

هرکه حمامه گلور غمگین گرور شادان چقر
لیک تشبیهین اُنوک آگلامیان نادان چقر
دنیا نوک اوکی صوکینه بکزیان حمام دُر
کم بو مخلوقات اکا عریان گرور عریان چقر
(همان: ۵۰)

ترجمه:

هر آنکس که به حمام آید غمگین وارد می شود و شادان خارج
اما تشبیه این کلام را آنکس که نفهمد، نادان خارج می شود
بسه آب و خانه دنیا مشابه، حمام است
که خلائق بدان عریان وارد می شوند و عریان خارج



تصویر شماره ۱.۱.۱. تصویر شعر مذکور در انجاء دست نویس

دو دیگر اشارات عیدالحمید در ابیات ۴۱۹ و ۴۳۱ سلک الجواهر است، در این ابیات نام ترکی «کُلیه» (عضوی از بدن انسان) به صورت «بُره» و نام ترکی یک به صورت پُر آمده است:

۴۱۹. غیرت: چو رشک و عبرت: سِررشک و صواب: رِشک
بُـرغوث: اِبـن طـامر، تُـرکی بُـود: بُـره

۴۳۱. أَبْطَحَ وَ بَطَحًا، بَطِيحَةً: رَوْدَ بِأَسْنَانٍ وَ بِسَرٍّ: يَكُ

جَسَرٍ: پُل، فُلَس: آمَد [پول] چُون عَجُوزَه: پیرزن

بدین ترتیب این احتمال متصور است که زبان مادری عبدالحمید ترکی رایج در قرن هشتم هجری بوده است. در این قرن، نفوذ زبان فارسی در قلمرو عثمانی به حدی گسترده است که آسیای صغیر ادبایی همچون عبدالحمید را در دامن خود پرورده است. او به زبان فارسی و عربی تسلط کافی داشته است؛ لذا، با هدف آموزش دو زبان فارسی و عربی برای ترک‌زبانان آن سامان، سلک الجواهر را به تقلید از نصاب الصبیان ابونصر فراهی، به رشته نظم درآورده است.

از دیگر نکات شایان ذکر در باب عبدالحمید، اشاره به لغت‌شناسی کم‌نظیر و پای‌بندی بسیار وی به اخلاق است. مؤید این گفته افزون بر فرهنگنامه منظوم سلک الجواهر که خاصه در لغت فارسی و عربی است، وی در مِیة الواعظین و غِیة المتعظین که اثری اخلاقی است؛ زمانی که در ذیل حکایتی یا روایتی نام شخصی را می‌آورد، اگر آن اسم، برای خواننده مجهول یا ناآشناست اِعراب (شکل‌گذاری) آن واژه را نیز متذکر می‌شود، نظیر: «مسلم عباده، بضم العین المهمله و تخصیص الباء الموحده و الصامت بالصاد المهمله و التاء المثناة من فوق الحکایه». (همان: ۱۲) و گواه برای پای‌بندی او به اخلاق، می‌تواند ابیات پایانی یا به عبارت دیگر ابیات تَخْلِصِ قطعات سلک الجواهر باشد که او به مثابه معلم اخلاق اندرز می‌دهد. به علاوه ابیات فارسی رساله مِیة الواعظین و غِیة المتعظین که در پیوست پایانی آمده است مبین این ادعا است. این ابیات آکنده از آموزه‌های اخلاقی است.

۲.۱ آثار عبدالحمید بن عبدالرحمان انگوری

آثار عبدالحمید بن عبدالرحمان انگوری عبارتند از:

۱. سلک الجواهر؛ در لغت به سال ۷۵۷ ق
۲. مِلْتَمَسات؛ درخواست‌نامه منظوم به سال ۷۵۸ ق
۳. مِیة الواعظین و غِیة المتعظین؛ در اخلاق به سال ۷۶۳ ق

۴. المعشرات در حدیث نبوی

۵. المخمسات در حدیث نبوی

از دو رساله اخیر، المعشرات و المخمسات تنها در مقدمه مینة الواعظین و غنیة المتعظین از آن‌ها نام برده می‌شود و در کتابخانه‌ها دست‌نوشته‌ای از آن دو رساله یافت نشد. عبدالحمید در دیباجة مینة الواعظین و غنیة المتعظین اینگونه می‌نویسد: «أما بعد، فلما اتممتُ کتاب المعشرات و المخمسات فی الاحادیث النبویه، تألیفاً أردتُ أن أجمع أربعین باباً و الخ» (دست‌نویس مینة الواعظین و غنیة المتعظین به شماره ۳۴۵۲/۲، ب ۱۱، کتابخانه آیت‌الله مرعشی قم). عبارت فوق بیانگر این نکته است که کتاب‌های المعشرات و المخمسات قبل از مینة الواعظین و غنیة المتعظین (۷۶۳ ق) نوشته شده است.

۱.۲.۱ سلک الجواهر

سلک الجواهر فرهنگنامه منظومی است که به تقلید از نصاب الصبیان ابونصر فراهی و نصب الفتیان حسام‌الدین خویی، در سال ۷۵۷ ه.ق (حمید این را به سال هفتصد و پنجاه و هفت اندر / به اتمامش رسانیدی به عون خالق و یزدان) نوشته است. در اکثر دست‌نویس‌های این اثر نام فرهنگنامه، سلک الجواهر آمده است؛ اما در دیباجة مکتسبات با عنوان «نصیب الاخوان» از این اثر یاد شده است. (علیزاده خیاط؛ ایمانی، ۱۳۹۳: ۱۹) به این ترتیب این احتمال می‌رود که نام دیگر اثر نصیب الاخوان باشد که از جانب دوستان و یا کاتبان به این اثر اطلاق شده است یا آنکه کاتب سلک الجواهر را با اثری با همین عنوان از سراینده‌ای به نام مطهر (قرن هشتم هجری) اشتباه گرفته است.

اثر حاضر، پس از دیباجة‌ای مشهور در ۳۵ قطعه تنظیم و منظوم گردیده است. این ۳۵ قطعه روی هم رفته شامل ۵۸۵ بیت می‌شود که ۵۵۰ بیت شرح و بیان لغت است و به موازات قطعات، ۳۵ بیت تلخیص، در پایان هر قطعه آورده شده است. این قطعات در اوزان و بحور مختلفی نظیر: رمل، هزج، منسرح، رجز، سریع و... منظوم گردیده‌اند. در ادامه این مقدمه به صورت تفصیلی به سلک الجواهر خواهیم پرداخت. همانطور که اشاره شد، عبدالحمید سلک الجواهر را در سلخ ماه جمادی الآخر سال هفتصد و پنجاه و هفت

نگاشته است و با دو بیت ذیل اثر را به پایان می‌برد:

شکر به ایزد که این نسخه به آخر رسید جمله هنرمند را تحفه فاخر رسید
دُرّ و صدف را ثمن هست، ولی دُرّ مَن قابل آن نیست، کو از دل زآخر رسید

۲.۲.۱ مُلتمسات

ملتمسات به درخواست نامه‌های منظومی گفته می‌شود که شاعر در قالب آن‌ها خواسته خود را از ممدوح و مخاطب خود درخواست می‌کند. دومین اثر عبدالحمید بن عبدالرحمان انگوری، مُلتمسات وی است که به فاصله یک سال (جمادی الاولی ۷۵۸ هـ.ق) پس از اتمام سلک الجواهر آن را تنظیم و منظوم گردانده است. این اثر، از کهن‌ترین نمونه‌های شناخته شده در شعر پارسی است که به تقلید از حُسام‌الدین خویی نگاشته شده است. روی هم‌رفته مُلتمسات عبدالحمید، دیباچه کوتاه به همراه «صد رباعی» عنوان شده است که ظاهراً منظور از رباعی، قالب شعری رباعی نبوده است؛ بلکه اشعاری مشتمل بر چهار مصراع است. مُلتمسات حاوی یک‌صد قطعه شعر است و از آن شمار، تعداد چهار قطعه در قالب و وزن رباعی و بقیه اشعار در قالب قطعات مقفلاً با اوزان مختلف است. (علیزاده خیاط؛ ایمانی، ۱۳۹۳: ۱۴)

یگانه دست‌نویس این اثر در ضمن مجموعه شماره ۵۳۸۴ کتابخانه فاتح استانبول نگهداری می‌شود. کاتب آن، احمد بن بخشایش بن عبدالله در سال ۸۷۱ هـ.ق به نسخ تحریری می‌باشد. (حسینی، ۱۳۹۲: ۴۸۶ و ۴۸۷) این اثر به تصحیح ناصر علیزاده خیاط و بهروز ایمانی از سوی انتشارات میراث مکتوب (ضمیمه ش ۲۸ آینه میراث) به چاپ رسیده است. البته ناگفته نماند که مصححان محترم عنوان «انگوری» را برای عبدالحمید برگزیده‌اند که بهتر می‌بود صورت کهن‌تر و اصیل‌تر واژه برگزیده می‌شد.

در اینجا برای آشنایی بیشتر با مُلتمسات انگوری چند نمونه آورده می‌شود:

التماس بادام

احسان تو گشته است چون دام بگرفته چو مرغ، خاص و هم عام

مأمول مرا شنو که هست او از بهر حریره، مغز بادام

(علیزاده خیاط؛ ایمانی، ۱۳۹۳: ۲۴)

التماس انگور

سرورا! تدبیر و کارت از خدا منصور شد دوستان شاد گشته، دشمنانت کور شد
از فواکه، هر یکی را دیده‌ایم از خیر تو این دم، اندر آرزوی بندهات انگور شد
(علیزاده خیاط؛ ایمانی، ۱۳۹۳: ۲۶)

التماس ابریشم

ای شده در قلب‌ها، روز و شب اندر و دود
امر خدا را شدی، با دل و جانت و دود
کرد توقع رهی، از در انعام تو
آنچ ز لطف خدا، مصدر او هست دود
(علیزاده خیاط؛ ایمانی، ۱۳۹۳: ۳۳)

۳.۲.۱ منیه الواعظین و غنیة المتعظین

منیه الواعظین و غنیة المتعظین رساله‌ایست به زبان عربی در اخلاق و مواعظ که در چهل باب تنظیم گردیده است. هر باب به کسب فضیلتی یا ترک رذیلتی اختصاص دارد. شیوه تدوین اثر به گونه‌ای است که در هر باب، نخست حدیث / احادیثی نقل می‌شود، پس از آن حکایت / حکایاتی مرتبط با موضوع باب مذکور آورده می‌شود و در آخر فوائدی از احوال متقدمین و اقوال متبحرین افزوده می‌شود.

رساله در ۴۰ باب تنظیم گردیده است که موضوع ابواب آن به شرح ذیل است:

۱. فی کلمة توحید ۲. فی الصلوة علی النبی علیه الصلوة و السلام ۳. فی تسبیح و ذکر الله تعالی ۴. فی الصلوات الخمس ۵. فی الصلوة الجمعة ۶. فی اخلاص العمل و ترک الریا ۷. فی الطلب العلم ۸. فی ترک العمل بالعلم ۹. فی الامر بالمعروف و النهی عن المنکر ۱۰. فی العدل ۱۱. فی الظلم ۱۲. فی الاجتناب عن صحبتہ الامراء ۱۳. فی الورع ۱۴. فی الکسب ۱۵. فی القناعة ۱۶. فی التوکل ۱۷. فی الحرص ۱۸. فی الذم المال ۱۹. فی الفقراء ۲۰. فی الشکر و الصبر علی الشدة ۲۱. فی اکرام الضیف و الجار و فضیلة اللقمة ۲۲. فی السخاوة ۲۳. فی المحبة ۲۴. فی الجهاد ۲۵. فی الحج ۲۶. فی النکاح ۲۷. فی حسن الخلق ۲۸. فی الحلم و الرفق

۲۹. فی کظم الغیظة ۳۰. فی الغیبة ۳۱. فی الحسد ۳۲. فی الکبر و التواضع ۳۳. فی صلة الرحم ۳۴. فی الحياء ۳۵. فی الزجر عن الضاحک ۳۶. فی النهی عن شرب الخمر و بیان ثواب التوبه ۳۷. فی ذکر الموت و الاستعداد ۳۸. فی الصبر علی المصیبة ۳۹. فی عذاب القبر ۴۰. فی رجاء المغفرة.

این اثر به رغم آنکه به زبان عربی نوشته شده است؛ آکنده از ابیات فارسی است و در خلال حکایات و روایات به وفور اشعار پارسی به چشم می خورد که برخی از آنها، به اشاره صریح وی از آن خود اوست. بنابر اهمیت این اشعار، آنها را استخراج و ضبط نموده و در پیوست شماره ۴ تعلیقات آورده ایم. افزون بر آنچه درباره مینة الواعظین و غنیة المتعظین گفته شد احادیث بسیاری نیز در این اثر آمده است و به طور کلی روح تسنن بر این اثر حاکم است و این احتمال متصور است که عبدالحمید مسلمانی سنی مذهب باشد. او در بهره گیری از منابع صریحاً اشاره می کند که فلان حدیث را از صحیح مسلم و یا صحیح بخاری نقل می کند. برای نمونه: «اخرجه البخاری و مسلم فقوله مستجمعاً...». (دست نویس مینة الواعظین و غنیة المتعظین به شماره ۳۴۵۲/۲، ب ۴۴، کتابخانه آیت الله مرعشی قم)

دست نوشته ای چند از مینة الواعظین و غنیة المتعظین در کتابخانه های دنیا، به ویژه ترکیه محفوظ است (نک: معجم، ج ۲، ص ۱۵۴۴ (ش ۴۳۰۰)) و تنها یک دست نویس از این اثر در ایران موجود است که به شماره ۳۴۵۲/۲ کتابخانه آیت الله مرعشی در قم نگهداری می شود که به خط بخشایش بن محمد بن بخشایش بن عاشق پاشا می باشد و تاریخ تحریر آن ۹۳۴ ه. ق است. (حسینی اشکوری، مرعشی نجفی، ۲۴۸/۹)

در پایان اشاره به این نکته خالی از فایده نیست، عبدالحمید مینة الواعظین و غنیة المتعظین را در بحبوبة سال های پُر آشوب آنکارا نوشته است. آنکارا در همین سال هاست که توسط شاهان عثمانی فتح می شود و قدرت از امیران محلی ایلخانی (قرامانیان) به عثمانیان می رسد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۴: ۲۳۱/۲) سال تحریر مینة الواعظین، اوایل جمادی الاول سال ۷۶۳ ق است. (دست نویس مینة الواعظین و غنیة المتعظین به شماره ۳۴۵۲/۲، ب ۱۱، کتابخانه آیت الله مرعشی قم).

۳.۱. اوضاع تاریخی - سیاسی آنکارا؛ موطن مؤلف در قرن هشتم هجری

آنکارا پایتخت کنونی ترکیه، تاریخ پر شیب و فرازی داشته است. این شهر که روزی میزبان گریختگان حمله مغول بود. (بهار، ۱۳۹۰: ۲/۴۰۰) قبل از آنکه پایتخت ترکیه شود فاقد رشد و توسعه کنونی بوده است؛ اما امروزه آنکارا یکی از پیشرفته‌ترین شهرهای ترکیه محسوب می‌شود. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۴: ۲/۲۳۲) در تاریخ ترکیه (آسیای صغیر) از اوایل قرن هشتم تا قرن دهم هجری به عنوان دوره «امیرنشینان» تلقی می‌شود. در این دوره، چنانچه از اسم و عنوان نیز معلوم است، آناتولی از نظر سیاسی قطعه قطعه شده بود. باید خاطرنشان کرد، دوره ماقبل عثمانی در تاریخ ترکیه، به اذعان مورخان ترک و غرب، دوره‌ای خاکستری است به همین سبب مورخان کمتر در این باره نوشته‌اند و غالباً این دوره را به سکوت گذرانده‌اند. شاید کمبود و ناکافی بودن منابع مربوط به این دوره سبب این بی‌اعتنایی و بی‌علاقگی مورخان بوده است. (مفتاح؛ ولی، ۱۳۷۴: ۱۱۹)

در اواخر قرن هفتم هجری اگرچه به ظاهر امیران سلجوقی بر آنکارا فرمان می‌راندند؛ اما در حقیقت قدرت واقعی در دست سازمان مُنتغذ از بازرگانان توانگر و رؤسای اصناف به نام جماعت «آخیان» بود. آخیان که احتمالاً از طریقت فتوت بغداد منشعب شده بودند، پس از ورود به آناتولی به فعالیت‌های صنعتی و تجاری پرداختند و رفته رفته صاحب نفوذ و اقتدار شدند به گونه‌ای که به شاهان سلجوقی چندان وقعی نمی‌نهادند و بیش‌تر از حکمرانان مغول (ایلخانان) فرمان می‌بردند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۴: ۲/۲۳۰؛ کوپرلی، ۱۳۸۵: ۲۶۵)

از شخصیت‌های معروف آخیان، آخی شرف‌الدین (ز ۷۸۱ ه.ق) بود که ظاهراً برجسته‌ترین شخصیت زمان خود بود. پس از برافتادن ایلخانان که آنکارا بخشی از متصرفات علاءالدین یرتتا، امیر سیواس، و جانشینان او شد. فرقه آخیان همچنان قدرت خود را حفظ کردند. در واقع می‌توان گفت تسلط ایلخانان و یرتانیان بر آنکارا اشغالی نظامی و به منظور گرفتن مالیات بوده است و الا این آخیان بودند که قدرت واقعی را در دست داشتند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۴: ۲/۲۳۰ - ۲۳۱)

آنکارا نخستین بار در سال ۷۵۵ ق/ ۱۳۵۴ م در زمان اورخان و فرزندش سلیمان پاشا به تصرف عثمانیان درآمد؛ اما وقایع‌نگاران عثمانی خود ذکرى از این مطلب نکرده‌اند. بنابراین آنکارا ابتدا ۷۵۵ ق و پس در سال ۷۶۲ ق به دست عثمانیان افتاد. (همان: ۳۲۱/۲) مراد اول، پادشاه عثمانی بود که در سال ۷۶۲ ق آنکارا را از قرامان بازستاند. (شاو، استنفورد؛ شاو، ازل، ۱۳۷۰: ۴۹/۱؛ سامی، ۱۳۰۶ ق: ۴۴۰/۱؛ GÜBAN, 1991: 3/204&205) از دیگر رخ‌دادهای مهمی که در این سالها اتفاق افتاد آن بود که در سال ۷۵۷ ق مقارن با سال تألیف سلک الجواهر، سلیمان پاشا، پسر اورخان بیگ عثمانی از طریق چاناق قلعه (داردانل) به آن سوی تنگه دست یافت و اینچنین پای عثمانیان به قاره اروپا باز شد. (مفتاح؛ ولی، ۱۳۷۴: ۱۶۷)

بدین ترتیب عبدالحمید در سالهای پر آشوب آنکارا، سلک الجواهر را نگاشته است و پس از گذشت یک سال از فتح آنکارا توسط سلاطین عثمانی، وی مینه الواعظین و غنیة المتعظین را نوشته است. آثار عبدالحمید به پادشاه، امیر یا بزرگ‌زاده‌ای تقدیم نشده است، به گمان نگارنده نظر به باب ۱۲ مینه الواعظین: فی الاجتناب عن صحبتة الامراء، می‌توان گواه خوبی برای کناره‌گیری وی از امرا و سلاطین باشد. در حقیقت وی معلم اخلاق بوده است و ملتمسات وی تفننی بیش به نظر نمی‌رسد که از حسام‌الدین خویی آن‌ها را تقلید کرده است. از سوی دیگر شهر در حال گذار و انتقال قدرت است و احتمالاً به اصطلاح «قحط الرجال» دولتی، مجال عرضه آثار را نداده است یا شاید امیران عثمانی در حال گسترش قلمرو سرزمینی خود بوده‌اند و وقعی به اهل فن و هنرمندان آنکارا ننهاده‌اند.

۲

بخش دوم

معرفی دستنویس‌های سلک الجواهر

سلک الجواهر اثری است که به احتمال زیاد در آسیای صغیر (ترکیه) تحریر شده است و

این احتمال می‌رفت که بیشتر دست‌نویس‌های اثر در آن سامان باشد. در ایران نیز دست‌نویس‌های قابل توجهی از سلک الجواهر در دسترس است که در ادامه به آن‌ها اشاره و به تفصیل ویژگی‌های این دست‌نویس‌ها ارائه می‌شود.

تاکنون قریب به ۲۴ دست‌نویس از سلک الجواهر در کتابخانه‌های ایران و جهان شناسایی گردیده است، که ۹ دست‌نویس در کتابخانه‌های ایران، ۲ دست‌نویس در کتابخانه‌های عراق و ۱۳ دست‌نویس در کتابخانه‌های ترکیه نگهداری می‌شود و این احتمال می‌رود که دست‌نویس‌های بیشتری از سلک الجواهر در کتابخانه‌ها و مجموعه‌داران موجود باشد که تاکنون فهرست نشده‌اند. باید خاطر نشان کرد، اکثر دست‌نویس‌های ترکیه و حتی یک دست‌نویس کتابخانه ملی ایران تاکنون فهرست نشده‌اند بلکه اطلاعات برگه‌دانی و فیش‌های فهرست‌نگاران است که بر روی تارنما / سایت‌های این کتابخانه‌ها قرار گرفته‌اند.

ابتدا ۲۴ دست‌نویس مذکور را به صورت اجمالی معرفی کرده و سپس به توصیف مفصل دست‌نویس‌های در دسترس که در این تصحیح به کار گرفته شده‌اند می‌پردازیم.

الف) ایران:

به منظور یافتن دست‌نویس‌های سلک الجواهر از فهرست فنخا (فهرستگان نسخه‌های خطی ایران)، دنا (فهرستواره دست‌نوشت‌های ایران) و فهرست نسخه‌های خطی فارسی مرحوم منزوی بهره جستیم که گزارش اجمالی این جستار در ذیل می‌آید. (ر.ک: درایتی، ۱۳۹۱:

۱۸/۳۵۰ و ۳۵۱؛ همو، ۱۳۸۹: ۱۸۶/۶؛ منزوی، ۱۳۴۸: ۱۹۹۱/۳)

۱. دست‌نویس شماره: ۴۱۷۵/۱ (میکروفیلم)، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، تاریخ تحریر: ۸۵۷ق؛ کاتب: عبدالله آماسی.

اصل دست‌نویس در کتابخانه ملی مارچانای ونیز نگهداری می‌شود و طی نمایشگاهی که به همکاری کتابخانه مذکور و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲ برگزار شده این دست‌نویس فیلمبرداری شده است و اکنون میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. (بهارلو، ۱۳۶۶: ۳۶؛ تیه پولو، ۱۳۵۲: ۴۰؛

دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۲۵/۳)

۲. دست‌نویس شماره: ۲۶۰/۵ کتابخانه آیت‌الله فاضل خوانساری، تاریخ تحریر:

۸۸۱ق؛ کاتب: ابوالقاسم بن جمال‌الدین.

تاریخ تحریر این دست‌نویس به اشتباه ۸۸۵ق ضبط شده است. در ترقیمه و انتهای مجموعه تاریخ مذکور آمده است؛ اما مجموعه در سال‌های مختلفی نگاشته شده است و فهرست‌نگاران محترم به این مسئله دقت کافی نداشته‌اند. در ترقیمه سلک الجواهر، در این مجموعه پس از انجامه، به خط کاتب سال ۸۸۱ق: احدى و ثمانین و ثمانیمائه هجرة الرسول النبویه. مرقوم گردیده است. (فاضلی؛ حسینی اشکوری، ۱۳۷۴: ۲۳۷/۱) این نکته را باید افزود که دست‌نویس عکسبرداری شده این مجموعه به شماره ۲۵۷/۶ در مرکز احیاء میراث اسلامی نگهداری می‌شود. (حسینی اشکوری، جعفر؛ حسینی اشکوری، صادق، ۱۳۷۷: ۲۹۴/۱ و ۲۹۵)

۳. دست‌نویس بدون شماره مرحوم حسین شهشانی، تاریخ تحریر: ۱۰۷۱ق؛

بی‌کاتب.

۴. دست‌نویس شماره: ۹۵۱۲/۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، بی‌تاریخ؛

بی‌کاتب.

۵. دست‌نویس شماره: ۲۰۱۶/۳۷ (میکروفیلم) کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد

دانشگاه تهران، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.

اصل این دست‌نویس در یوگسلاوی سابق نگهداری می‌شود و تنها از برگ نخست و

برگ پایانی دست‌نویس فیلمبرداری شده است. (ر.ک: دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۶۳۸/۱)

۶. دست‌نویس شماره: ۸۵۸۴/۱ کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران،

بی‌تاریخ؛ کاتب: [مولانا محمد عبدالفتاح].

۷. دست‌نویس شماره: ۲۱۰۴۷ کتابخانه ملی ایران، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.

۸. دست‌نویس شماره: ۴۲۰/۸ کتابخانه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی قم^۱،

بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.

۱. مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی قم، امروزه با ادغام چندین مرکز پژوهشی تحت عنوان «پژوهشگاه علوم

و فرهنگ اسلامی» در شهر قم مشغول به فعالیت است.

۹. دست‌نویس شماره: ۲/۲۶۷۶ کتابخانه ملی تبریز، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.

ب) عراق:

در میان فهرس موجود از دست‌نویس‌های عراق تنها در دو فهرستِ فهرسِ مخطوطات مکتبه الأوقاف العامه فی الموصل و الآثار الخطیه فی المکتبه القادریه فی جامع الشیخ عبدالقادر الکیلانی اثری از سلك الجواهر موجود بود که در ذیل معرفی می‌شود. (قره بلوط، علی الرضا؛ قره بلوط، احمد طوران، ۲۰۰۲م: ۲/۱۵۴۴)

۱. دست‌نویس شماره: ۱۵۲۷ مکتبه القادریه بغداد (فی جامع الشیخ عبدالقادر الکیلانی)، تاریخ تحریر: ۹۲۹ق؛ بی‌کاتب. (عبدالاسلام رؤوف، ۱۹۸۰م: ۵/۴۱۹)
۲. دست‌نویس شماره: ۲/۱۰۳/۲۲ مکتبه الاوقاف العامه فی الموصل، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب. (عبدالرزاق احمد، ۱۴۰۲ق: ۳/۱۷۳)

ج) ترکیه:

جستار در میان فهرس دست‌نوشته‌های ترکیه محدود به فهرس مهم نظیر: معجم التاريخ التراث اسلامی فی مکتبات العالم (المخطوطات و المطبوعات) محدود نشد، از این رو پژوهش در تارنما / وب‌سایت کتابخانه‌های مهم ترکیه و بانک اطلاعات دست‌نویس‌های موجود در ترکیه یعنی yazmalar ادامه یافت و نتیجه آن در ذیل آورده می‌رود. (ر.ک: قره بلوط، علی‌الرضا؛ قره بلوط، احمد طوران، ۲۰۰۲م: ۲/۱۵۴۴؛

<https://www.yazmalar.gov.tr>؛ <https://dijital-kutuphane.mkutup.gov.tr>

۱. دست‌نویس شماره: ۱۷۶ کتابخانه ملی آنکارا، تاریخ تحریر: ۸۷۴ق؛ کاتب: علی بن محسن بن الیاس.
۲. دست‌نویس شماره: ۲/۹۹۹ کتابخانه زیتون اوغلی شهر دوشانلی کوتاهییه، تاریخ تحریر: ۸۸۸ق؛ بی‌کاتب.

۳. دست‌نویس شماره: FY 575 کتابخانه دانشگاه استانبول، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.

۴. دست‌نویس شماره: ۸۹۰/۱ کتابخانه ملی آنکارا، مجموعه کتابخانه عمومی شهر اردو (انتقال یافته)، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.

۵. دست‌نویس شماره: ۷۰۲۵ موزه مولانا، قونیه، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب. (ر.ک):

(GÖLPINARLI, 1994: 78/4)

۶. دست‌نویس شماره: ۵۳۰/۳ کتابخانه فرهنگستان زبان ترک، آنکارا، تاریخ تحریر:

۱۰۸۰ق؛ بی‌کاتب.

۷. دست‌نویس شماره: ۷۳۵/۲ کتابخانه سلیمانیه، استانبول، مجموعه کتابخانه

عمومی آنتالیا (انتقال یافته)، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.

۸. دست‌نویس شماره: ۲۱۹ کتابخانه فرهنگستان زبان ترک، آنکارا، بی‌تاریخ؛

بی‌کاتب.

۹. دست‌نویس شماره: ۵۱۵۰/۱ کتابخانه فرهنگستان زبان ترک، آنکارا، بی‌تاریخ؛

بی‌کاتب.

۱۰. دست‌نویس شماره: ۱۸۹۵/۱ کتابخانه عمومی حسن پاشا، شهر چروم،

بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.

۱۱. دست‌نویس شماره: ۲۷۲۱ کتابخانه عمومی مغنيسا (منيسا)، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.

(ر.ک: سبحانی، ۱۳۶۶: ۱۰۲)

۱۲. دست‌نویس شماره: ۵۲۲ کتابخانه ملّت، استانبول، مجموعه علی امیری،

بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.

۱۳. دست‌نویس شماره: ۵۲۵۶۱۴ کتابخانه عمومی شهر قونیه، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.



از میان دست‌نویس‌های نامبرده؛ هشت دست‌نویس از نه دست‌نویس ایران و سه دست‌نویس آقدم ترکیه؛ جمعاً یازده دست‌نویس گردآوری شد. از میان دست‌نویس‌های ایران، تنها دست‌نویس حسین شهشانی را در اختیار نداشتیم؛ البته نبود این دست‌نویس خللی به کار تصحیح وارد نمی‌کند بدان سبب که مرحوم علینقی منزوی این دست‌نویس را بررسی کرده‌اند و طی گزارشی که در کتاب فرهنگنامه‌های عربی به فارسی، از این دست‌نویس می‌دهند خاطرنشان می‌کنند که اثر دارای ۲۸ قطعه و ۴۹۸ بیت می‌باشد.

(منزوی، ۱۳۳۷: ۱۶۲) این در حالی است که سلك الجواهر دارای ۳۵ قطعه و ۵۸۵ تا ۵۹۰ بیت است. افزون بر این محل نگهداری این دست‌نویس مشخص نیست، می‌توان گفت سابقاً فرزند آقای شهشهرانی از این دست‌نویس‌ها نگهداری می‌کرده‌اند. (جعفریان، ۱۳۷۶: ۵/۵۹۶، ۶۰۳)

دست‌نویس‌های عراق دست‌یاب نشد. یکی از دست‌نویس‌ها در شهر جنگ‌زده موصل قرار دارد که سرنوشت کتابخانه آن مبهم است و دیگری طی پیگیری‌های صورت‌گرفته در زمان صدام حسین و بعضی‌ها از مزار شیخ عبدالقادر گیلانی به‌جای دیگری منتقل شده است. البته باید افزود که تاریخ یکی از دست‌نویس‌ها بیانگر متأخر بودن آنهاست و نبود آن دست‌نویس خللی به تصحیح وارد نمی‌کند.

در میان دست‌نویس‌های ترکیه، سه دست‌نویس که آقدم دست‌نویس‌ها بودند با پیگیری‌های صورت‌گرفته دست‌یاب شد که عبارتند از:

۱. دست‌نویس کتابخانه ملی آنکارا به شماره ۱۷۶ و تاریخ تحریر: ۸۷۴ ق.
۲. دست‌نویس کتابخانه زیتون اوغلی شهر دوشانلی کوتاهیه به شماره ۹۹۹/۲ و تاریخ تحریر: ۸۸۸ ق.

۳. دست‌نویس کتابخانه دانشگاه استانبول به شماره FY 575 (بی‌تا).

دست‌نویس سوم بدان جهت انتخاب شد که توفیق هاشم‌پور سبحانی این احتمال را داده‌اند که ظاهراً کهن‌ترین دست‌نویس شناخته شده این کتاب همین دست‌نویس است؛ اما دلیل متقنی برای این گفته نیاورده‌اند و تنها در حد احتمال نوشتار وی باقی مانده است. (هاشم‌پور سبحانی؛ آق‌سو، ۱۳۷۴: ۲۶۵)

روی هم‌رفته یازده دست‌نویس از این اثر گردآوری شد. از این یازده دست‌نویس نیز، دست‌نویس شماره ۲۰۱۶/۳۷ تنها دارای برگ نخستین و انجامین بود و اصل اثر در یوگسلاوی سابق نگهداری می‌شود. (دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۶۳۸/۱) بدین ترتیب ده دست‌نویس برتر زمانی و کیفی از میان دست‌نویس‌های موجود انتخاب و گلچین گردید که در بخش چهارم به تفصیل معرفی خواهند شد.

بخش سوم

چند نکتهٔ دستوری و محتوایی دربارهٔ سلک الجواهر

قبل از هر اشاره‌ای به نکات دستوری و محتوایی اثر، عنوانی که عبدالحمید برای اثر خود برگزیده است قابل تأمل و با مسمّا است. او در حقیقت اثر خود را به مثابه رشته و گردن‌آویزی از جواهر دانسته است که نوآموزان زبان فارسی و عربی با از بر شدن آن صاحب کمالات می‌شدند. سلک الجواهر با دیباچهٔ منثوری آغاز می‌شود که با صنایع ادبی و هنری آراسته و مزین شده است و به شیوهٔ نثر مسجّع متمایل است. این صنایع ادبی عبارتند از:

۱. طرد و عکس: الحمد لله الذی زین الانسان بالرأس و الرأس بالانسان.
۲. تضمین: آیات ۱-۴ سورهٔ مبارکهٔ الرحمن: ﴿الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البيان﴾.
۳. درج عبارت «و بعد»، که نزد خطبای عرب رایج بوده است؛ این عبارت نوعی اختصار است بدین معنی: پس از حمد و ثنای پروردگار سختم را آغاز می‌کنم.
۴. سجع‌سازی: * ناظم این جواهر طاهره و قایل این ابیات ظاهره * المقر علی ذنوبه الکبیره و المعترف علی دیونه الکثیره.
۵. تضمین المزدوج: * که وقتی از خاطر خطیر حاضر و دل ناصر بصیر ناظر عبور کرد. * به فصاحت لسان و کتابت بنان.
۶. جناس: شاعرین عالمین و شاعری عالمین.
۷. تشبیه: مهوای اعراس نظم، اضافهٔ تشبیهی.
۸. تلمیح: اشاره به حسان شاعر النبی (ص): گلی بهار را از گلزار چمن باطنم چون خدود حسان همچون حسان به فصاحت لسان و کتابت بنان از نقاب اکمام آزار به عنایت ملک پروردگار برگشایم.
۹. به کار بردن کلمات متروک، کهن و کم‌کاربرد فارسی نظیر:

حُفَره: مِغاک؛ بَواکِر: میغ‌های بامدادی؛ لعاب: آمد بفتح؛ تَصَعَّد: بر شدن؛ موزون: آست
سَنجیده؛ عروج: بر رفتن؛ چه لهُو و لعب؟ بازیدن؛ کتابت: دان‌نِشتن؛ دَسْت‌آبِر نِجِن: سوار
(النگو)، کاره: پُشتواره، و بسیاری از کلمات دیگر که مجال ذکر آن‌ها در این مختصر
نیست.

۱۰. ترکیب‌سازی و به‌کار بردن ترکیبات نو که برای معانی کلمات عربی آمده است.

مانند:

صانع: دست‌کار، مصلح: نیک‌کار، ضامر: باریک‌میان، مُکَلِّثم: گردرو، سائل: زبان‌خواه،
حاضینه و قابله: چون پیش‌یار و

افزون بر آنچه آورده شد، وی اشاره صریحی به صنایع بدیعی دارد: «بعض صنعت
بدیع را مثل تجنیسات و مقلوبات و اشتقاق و غیرها به مرکب‌های گوناگون رقم زدم.» این
عبارت بیانگر آگاهی عبدالحمید از فنون و صنایع بلاغی است به‌علاوه همانطور که
پیشتر اشاره شد او به‌خوبی با صرف و نحو عربی نیز آشناست. نمونه این آشنایی را
می‌توان در عبارت ذیل از مقدمه و قطعه ۳۲ سلک الجواهر به‌وضوح مشاهده کرد:

شاعری عالمین؛ حذف نون به سبب اضافه شدن / صاحبی نصیبین؛ حذف نون به
سبب اضافه شدن.

مطلع قطعه ۳۲:

میتما و متی، آیان: کی، تتری: پیایی، ما: / چه و آن چیز، که: هل هست و ان: گر چون
کو و لولا

قطعات / قطع سلک الجواهر در اوزان و بحور مختلفی منظوم و تنظیم گردیده‌اند. این
اوزان به شرح ذیل است:

قطعه ۱	الله، خدا، أحد: یکی دان / حی: زنده، رقیب: چون نگهبان
وزن قطعه	بحر هزج مسدس آخر مقبوض مکفوف: مفعول مفاعله مفاعله
قطعه ۲	ابتدا و افتتاح و فاتحت: آغاز کار / مثنی: رفتن، کنس: رفتن، تبت: رستن، شأن: کار
وزن قطعه	بحر رمل مثنی محذوف: فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعله

قطعه ۳	بیضه: بُود تخم مرغ، ماح چه؟ اسپید آن / مَح: بُود زرد او، ملح: نمک، خُبَر: نان
وزن قطعه	بحر منسرح مِثمن مطوی مکشوف: مفتعلن فاعلن، مفتعلن فاعلن
قطعه ۴	جُرح: ریش و جُرح: کسب، لحيه: ریش و ریش: پر / فرع: شاخ است، فَرع: ترسیدن آمد، رطب: تر
وزن قطعه	بحر رمل مِثمن محذوف: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
قطعه ۵	جُرم و جريمه: گناه، خَمَط: درختِ آراک / کشف: گشادن، طنين: بانگ مکس، کعک: کاک
وزن قطعه	بحر منسرح مِثمن مطوی موقوف: مفتعلن فاعلن، مفتعلن فاعلات
قطعه ۶	قریتان: مگه است و طائف، ماه و خورشید: آذرهان / فقر و فرتوتی: آمران، شرق و خاور: خافقان
وزن قطعه	بحر رمل مِثمن مقصور: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلات
قطعه ۷	صدق و صداقت: سُخِن راستین / قُن و قَنان: رُدن و کُم: آستین
وزن قطعه	بحر سریع مسدس مطوی مکشوف: مفتعلن مفتعلن فاعلن
قطعه ۸	اماکن: جای‌ها، مَستان: سکاری، صحو: هُشیاری / مَعونَت: نصرت و عون و إعانت: نصر چون یاری
وزن قطعه	بحر هزج مِثمن سالم: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
قطعه ۹	خُنثی: نر و ماده است و اُنثی: ماده و آندوه: هم نَحو آست و حَجّ و عَمَد و خَرَد و قصد، دادر، همچو هم
وزن قطعه	بحر رجز مِثمن سالم: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن
قطعه ۱۰	تَرَقی و تَصَعُد: بَر شدن، موهوب: بخشیده / وَهوب و واهب و مسئول: بخشنده است و پرسیده
وزن قطعه	بحر هزج مِثمن سالم: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
قطعه ۱۱	چون مکان و رَبع و مغنی: مَنزل و عانی: اَسیر / جمع‌اش: اُسری و اُساری: مُشَبَّع و شعبان: سیر
وزن قطعه	بحر رمل مِثمن محذوف: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
قطعه ۱۲	حَیثَنِيذ: آن زمان، بارحه: آمد چو دوش / لِهْزَمه: چانه شُمر، مَنکِب و عطف است: دوش
وزن قطعه	بحر منسرح مِثمن مطوی موقوف: مفتعلن فاعلن، مفتعلن فاعلن
قطعه ۱۳	فیء و تَبَع: سایه، بَرجیس: مُشتری / چون خریدار است، دادر، مشتری
وزن قطعه	بحر رمل مسدس محذوف: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
قطعه ۱۴	شرع: بدان روده و ناقر چه؟ چنگ / ساعد و ید: هر دو آرش دان و چنگ

وزن قطعه	بحر سریع مسدس مطوی مکشوف: مفتعلن، مفتعلن، فاعلن
قطعه ۱۵	حاجب: ابرو، نجو: آبر و چون و طَر: حاجت، نیاز / لِفَت: شلجَم و شلَعَم، فُجَل و بَصَل: تُرب و پیاز
وزن قطعه	بحر رمل مثنی محذوف: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
قطعه ۱۶	خشب: چوب و خُشب: جمع آش، حَطب: هیزم، لِقَا: دیدن غَرَب: سیم و عَرَب: بی‌زن، چه لِهو و لعب؟ بازیدن
وزن قطعه	بحر هزج مثنی سالم: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
قطعه ۱۷	جَلَف: عَهْد و جَلَف: خالی، خَلَف: پستان، خَلَف: پَس خَلَفَه: ورگار و خَلَف: فرزندِ خوش، شب‌رُو: عسس
وزن قطعه	بحر رمل مثنی مقصور: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
قطعه ۱۸	جوي مینو: کوثر و هم‌کاسه نبود جُز: اکیل / چشمه او: دان برادر، زنجیل و سلسیل
وزن قطعه	بحر رمل مثنی محذوف: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
قطعه ۱۹	سریشم: چون غرا، صَبَر و عزا: هر دو شکیبایی / عَزا: دشت و غزا: قصد و بصیرت: هست بینایی
وزن قطعه	بحر هزج مثنی سالم: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
قطعه ۲۰	سهل: آسان، سهولت: آسانی / حَـدَس: دانیش، چه جهل؟ نادانی
وزن قطعه	بحر خفیف مسدس مخبون مقصور: فاعلاتن مفاعِلن فعلات
قطعه ۲۱	قَصَص: نگیں، صِفَر: تهی، صُفَر: روی / طلعت و وجه است و محیا: چو روی
وزن قطعه	بحر سریع مسدس مطوی موقوف: مفتعلن مفتعلن فاعلات
قطعه ۲۲	حراست: چون نگهبانی و حارس: پاسبان آمد / معیز و مُعز و مُعِزی: بُز بود، راعی: شبان آمد
وزن قطعه	بحر هزج مثنی سالم: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
قطعه ۲۳	حِصرم: غوره، چنی: چون چیدن و بُر: چو اجتناء / هست گزیدن: اختیار و اصطفاء و اجتناء
وزن قطعه	بحر رجز مثنی مطوی مخبون: مفتعلن مفاعِلن، مفتعلن مفاعِلن
قطعه ۲۴	زُرُور: سار و بانگ وی آمد: چُو زُر زره / شَهْلَه چه؟ سخت پیرزن و مِثْل شَهْرَه
وزن قطعه	بحر مضارع مثنی آخر مکفوف محذوف: مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعِلن
قطعه ۲۵	بَعَل: شوی و بغل: آستر، اَعْص و اضرب: دان بز / صاجِبَه: عرس و قُعَاد و زوجِه و نعل: است زن

وزن قطعه	بحر رمل مثنی محذوف: فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن
قطعه ۲۶	بیع: است فروخت، سوق: بازار / خُسران چه؟ زیان، خُستو: اقرار
وزن قطعه	بحر هزج مثنی آخر مقبوض: مفعول مفاعیلن مفاعیلن
قطعه ۲۷	هلال: ماه سه روزه، چو بدر: ماه تمام / یمام: کیوتراخانه، از آن کوه: حمام
وزن قطعه	بحر مجتث مثنی مخبون مقصور: مفاعلن فعلاتن، مفاعلن فعلات
قطعه ۲۸	حول: گشتن، زرع: کشتن، قتل: کُشتن، اسم: نام / چون ورا: آمد بشر، فرزندی آدم، هم آنان
وزن قطعه	بحر رمل مثنی مقصور: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلات
قطعه ۲۹	دُوابه: هست گیسو، خال و شامه: هر دو باشد خال چو طُرّه، ناصیه: دان موی پیشانی، سیبط: فرخال
وزن قطعه	بحر هزج مثنی سالم: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
قطعه ۳۰	طیب و طیب چه؟ خوشی هست، خوش / صهر و خسر: حمأ و صهر: است خوش
وزن قطعه	بحر سریع مسدس مطوی موقوف: مفتعلن مفتعلن فاعلن
قطعه ۳۱	کُتب: تحریر و کتابت: دان نبشتن، بَرُجمه: / بَند انگشت، لفظ را معنی یَگفتن: ترجمه
وزن قطعه	بحر رمل مثنی محذوف: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
قطعه ۳۲	متیما و متی، آبان: کی، تتری: پیایی، ما: / چه و آن چیز: که، هل هست و این: گر چون لو و لولا
وزن قطعه	بحر هزج مثنی سالم: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
قطعه ۳۳	اولی: چون این جهان بُود، همچو عاجله / آخری و آخرت: آن جهان، مثل اش: آجله
وزن قطعه	بحر مضارع مثنی آخر موقوف: مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن
قطعه ۳۴	حاذق و ماهر: بود استاد، دیگر جَلجله: / بانگ تُندر، فاتر: از جایش شُدن، چون خَلخله
وزن قطعه	بحر رمل مثنی محذوف: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
قطعه ۳۵	ذَوَاتُ الخُف: اَشترُها، ذَوَاتُ الحافِر: اَسبان / ذَوَاتُ الظلف: چون گاوان، ذَوَاتُ المِخْلَب: مُرغان
وزن قطعه	بحر هزج مثنی سالم: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

بر اساس جدول فوق، بسامد اوزان و بحور بدین ترتیب است:

۱. بحر رمل: ۱۲ قطعه

۲. بحر هزج: ۱۰ قطعه

۳. بحر سریع: ۴ قطعه

۴. بحر منسرح: ۳ قطعه

۵. بحور رجز و مضارع: هر کدام ۲ قطعه

۶. بحور خفیف و مجتث: هر کدام ۲ قطعه.

در پایان باید افزود، قطعات سلک الجواهر در موضوع خاصی منظوم نگردیده‌اند؛ اما چند قطعه متمایل به موضوع خاص است نظیر: قطعه نخست که واژگان و مفاهیم معنوی آمده است یا قطعه ۳۲ که در آن آدات و مبحث حرف از صرف عربی مطرح شده است.

۳.۱ روش عبدالحمید در منظوم ساختن لغات

عبدالحمید برای منظوم ساختن لغات از روش‌های مختلفی استفاده کرده است. این روش‌ها به شرح ذیل است:

۱. لغات و معانی آنها، در یک مصراع / بیت پیوسته و پشت سر هم در وزنی گنجانده شده است.

ابتدا و افتتاح و فاتحت: آغاز کار / مَشی: رفتن، کَنس: رُفتن، نَبَت: رُستن، شَأن: کار (بیت ۱۲)

قِرَد: کَپی، قَرَد: تنها، قَلَر: اندازه است و قِدر: / دِیگ، خِلصان و ولیجه: یارِ ویژه، کَهِف: غار (بیت ۲۳)

۲. برای پُر کردن وزن، حروف ربط، فعل ربطی و گاهی افعال و لغاتی به مصراع / بیت افزوده شده است.

حرف ربط:

ذِهن: فهم و دُهن: روغن، عَوَد: گشتن، عود: شاخ / عَدُو: عدوان و قَصَص: تَک باشد و ظلم و شکار (بیت ۱۵)

چو، چون، همچو، همچون و دیگر کلمات:

مالک، دیگر ملِک همچو ملِک: پادشاه / هست رثوف و رحیم مثل عطوف: مهربان
(بیت ۵۷)

هیكل و تعویذ و عُوذَه چون تمیمه: هیكل آند / لَیس: پوشیدن، بَطانَه: یارِ ویژه؛ آستر
(بیت ۷۸)

صحیفه: قِطْ و زَبَر، سِفر: نامه چون کتاب، آیه: / نشان، کُرَّاسَه: مصحف، دادرَم،
خواننده: چون قاری (بیت ۱۴۱)

دادر: به معنی برادر، آخ. برادر به لهجهٔ مردم ماوراءالنهر (برهان قاطع)
افعال ربط:

قریتان: مکه است و طایف، ماه و خورشید: آذران / فقر و فرتوتی: آمران، شرق و
خاور: خافقان (بیت ۹۹)
دیگر افعال و لغات:

ساقِ حرّ: قمری نَر دان و چو صَلْصُل: فاخته / آجَدل: صعوه است، چرخ: رَغوه،
یعسوب: مُنچ نر (بیت ۶۱)
بخیل: زُفْت و صَلابت: سختی، لین: نرم، بالوعه / چه؟ تن شوی، آندکی: قِلْت شُمر،
کثرت: چو بسیاری (بیت ۱۳۸)

۳. گاهی برای ذکر معنای لغت از حروف استفهام بهره گرفته است.

خضراء و سماء چه؟ آسمان است / عالم: تو بدان به غیر یزدان (بیت ۲)
نصیف و خادم و مِیْنَصَف چه؟ خدمتکار ای دادر، / دگر دارو فروشنده: چو عطار آمد و
داری (بیت ۱۴۵)

۴. گاه دو یا چند لغت هم معنی پشت سر هم آورده شده و با یک کلمهٔ فارسی/عربی
مصطلح در فارسی معنی شده است.

آزِفَه و راجِفَه، رادِفَه و قارعه / واقعه و غاشیه: روز قیامت بدان (بیت ۵۶)

۵. در مواردی لغت و معنی آن به صورت لَف و نشر مرتب آمده است. بدین صورت

که ابتدا دو واژه پشت سر هم و بعد از آن دو واژه معنای آن‌ها به صورتی که واژه سوم معنی واژه اولی و واژه چهارم معنای دومی است.

فردوس و سقر: بهشت و دوزخ / دربان بهشت: هست رضوان (بیت ۴)

۶. گاه برای یک واژه دو معنا آورده شده است.

أهلب: آسبِ درازموی و عتیق: گوهری / نهد: بلند آسب، حجر: چون رمکه؛ مادیان (بیت ۴۷)

۷. در مواردی معنی لغت در طی جمله بیان می شود، مانند:

مرفقه و مصدغه: بالشِ تکیه است و سر / شمله: گلیمِ بزرگ، محرضه: آشنان دان (بیت ۴۹)

۸. بهره گیری از ادات استثناء در بیان معنی واژه، نظیر:

تراس: مردی باسپر، آکشف چه باشد؟ بی سپر / بانیزه: چون رامج بود، بی نیزه: نبود
جز آجم

۴

بخش چهارم

روش تصحیح و دست‌نویس‌های تصحیح حاضر

اثر حاضر به روش انتقادی و قرار دادن کهن‌ترین و صحیح‌ترین دست‌نویس به عنوان مینا و اساس، تصحیح گردید. بیشتر میزان وفاداری به دست‌نویس اساس است؛ اما در مرحله به گزینی، در مواردی که اشتباه بودن لغت، مصراع / بیت، آشکار بود ضبط صحیح را از میان سایر دست‌نویس‌ها انتخاب کردیم و در متن اصلی گنجانیدیم. به علاوه تمامی اختلافات دست‌نویس‌های بدل با دست‌نویس اساس در پاورقی / پانویس گزارش داده شد. در مواردی نیز، نظیر عناوین قطعات، گاه وزنی اشتباه آمده بود یا نام بحر غلط مکتوب شده بود، در این موارد عنوان صحیح بحر و وزن قطعه را در داخل کروشه قرار داده و به متن اصلی افزودیم.